

## سواد نامه محمدصادق خان به میرزا محمدشفیع صدراعظم

موضوع: عصیان عبدالرحمن پاشا

تاریخ: ۱۲۲۵

خداوندگارا، مجملی از مفصل احوال عراق عرب را به جهت استحضار آن خداوندگاری عرض می‌دارد که

بعد از مقتول شدن وزیر و استیلای عبدالرحمن بر دارالسلام آنچه اسباب ظاهری بود از مقوله فروش و دواب و اسلحه و آلات حرب و توپ و زنبورک به طایفه بابان بخشید. از آن جمله شش هزار رأس قاطر که در سرکار وزرای بغداد می‌باشد به طایفه بابان داده شد. بعد آنچه نقود بود از اشرفی و غیره از مال سلیمان پاشا و علی پاشا و این وزیر مقتول تصرف نموده است. بعد از آن کهها را کشت و آنچه داشت ضبط نمود. باش آغا را با خزینه دار و حشمت آقاسی و جمعی دیگر از اعیان بغداد به قتل رسانیده جمله اموال ایشان را از ساکت و صامت و ناطق تصرف نمود و دفتردار بیچاره را با پسرش گرفته، دو طغار اسلامبولی طلا که عبارت از یکهزار و دوست من تبریز باشد مصادره [ه] کرده با اینکه گرفته است باز مطالبه می‌کند و از تجار بغداد، بومی و غریب، پول [.....] کرده است صد هزار فروش از کلیددار و متولی کاظمین گرفته است. اینهایی که عرض می‌شود اغلبی مکتوبی است و پاره [ای] نقلی و مال وزرای بغداد از اندازه بیرون است. در حمل و نقل خزانه به سلیمانیه، دواب وزیر کافی نبوده است. از سلیمانیه و حول و حوش دواب حواله کرده آورده‌اند. در بغداد یک نفر آدم معروف باقی نگذاشته است. سلیمان پاشای ولد ابراهیم پاشا که از طایفه بابان اسمی و رسمی داشت و بابان یا او مایل بودند آن هم دستگیر گردیده و کشته شده، حالا دنیا به کام این دیوانه پرهوا افتاده. عبدالله آغای، خزینه دار علی پاشا را که نوکر عبدالرحمن بود قائم مقام کرده و در جزو مسموع شد که حاجتی به مبلغی گزاف از برای رجال دولت روم نوشته و متمنی وزارت گردیده است، و هرگاه قبول وزارت او را نکنند به هر حال وزیری از برای بغداد فکر خواهد کرد که نوکر خودش باشد.

ذهاب<sup>۳</sup> و خانقین<sup>۴</sup> و بعقوبیه<sup>۵</sup> و مندلیج<sup>۶</sup> را به فتاح پاشای ذهابی واگذاشته که هر ساله دوهزار سوار مکمل بدهد [.....] را نیز متصرف گردیده است. بعد از عید فطر، اراده عود به سلیمانیه دارد. رئیس افندی مهمانی است در گوشه افتاده و در حوالی بغداد و سرجسر و توی شهر و قزل رباط و خانقین و قصر مساوی سه چهار نفر زوار کشته گردید و ده دوازده هزار برهنه شد، عجب هنگامه بر پاست و کارها بسیار آسان به شرط رضای [.....] است و خواهد شد.

دیگر مطلبی که قابل عرض باشد ندارم، خدمات را مترصد است. با امر کم مطاع. خداوندگارا، مساوی سی عراده توپ به شهرزور فرستاده است، با آنچه زنبورک بود. به جهت اطلاع عرض شد. ه

## توضیحات:

- ۱) عنوان نامه چنین است: سواد ذریعه که محمدصادق به خدمت بندگان ذی شوکت و شأن، جناب وزارت مآب، معتمدالدوله العلیه العالیه آصف جاهی، میرزا محمدشفیع قلمی و مرسل نموده است.
- ۲) یک کلمه خوانده نشد.
- ۳) ذهاب = زهاب: واقع در شمال بخش سرپل ذهاب، از مغرب به خاک عراق محدود است.
- ۴) خانقین: از شهرهای عراق واقع در کنار مرز ایران.
- ۵) بعقوبیه: واقع در نزدیکی ذهاب، رود دیاله از نزدیکی آن می‌گذرد. رک. تحقیقات رساله سرحدیه / ص ۱۰۹.
- ۶) مندلیج = مندلی یا مندلیجین: از توابع بغداد واقع در دوازده ساعتی شمال شرقی زورباطیه و بیست و شش ساعتی جنوب شرقی بغداد واقع است. سیاحتنامه حدود / ص ۱۱۷.
- ۷) یک کلمه خوانده نشد.
- ۸) یک کلمه خوانده نشد.

ه بایگانی نخست‌وزیری استانبول، خط همایون، ش: ۵۲۴۸۲. نامه بدون تاریخ است ولی با توجه به تاریخ قتل سلیمان پاشا والی بغداد (جمادی الآخر ۱۲۲۵) تاریخ نامه نیز علی القاعده اواخر جمادی الآخر و یا رجب همان سال خواهد بود.